

RS

طرح صلح ترامپ برای ارمنستان و آذربایجان

هفته گذشته، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا ادعا کرد که توافقنامه صلحی بین ارمنستان و آذربایجان، دو دشمن دیرینه در جنوب قفقاز که در سال‌های ۱۹۹۰ و دوباره در سال ۲۰۲۰ در جنگ‌های خونباری با یکدیگر درگیر شدند، نزدیک است. ترامپ در مراسم شام با سناتورهای جمهوری خواه تلاش‌های دیپلماتیک دولتش را دلیل آن دانست: «ارمنستان و آذربایجان، ما آنجا معجزه کردیم و بسیار نزدیک شدیم. اگر نه، همین الان انجام شده.»

اظهارات ترامپ مربوط به طرح پیشنهادی آمریکا برای اجازه جاده ۴۳کیلومتری از سوی یک کمپانی خصوصی آمریکایی به مدت ۱۰۰ سال است که از استان جنوبی سیونیک ارمنستان می‌گذرد. این طرح را توماس باراک، سفیر آمریکا در ترکیه اعلام کرد. این طرح به‌عنوان راه‌حلی خلافانه برای برون‌رفت از بن‌بست در خواست‌های باکو برای کریدور زنگزور مطرح شد؛ مسیر زمینی که از اراضی ارمنستان می‌گذرد تا به جمهوری خودمختار نخجوان و ترکیه می‌رسد. بر اساس منطق این طرح، تحت مدیریت آمریکا، تمام طرفین می‌توانند از این کریدور استفاده کنند و از «دیدگاه‌های قبیله‌ای» که به درگیری‌ها دامن می‌زند، فراتر بروند.

با این حال، واکنش‌ها هم در ارمنستان و هم آذربایجان ملایم بوده است، به‌رغم اینکه هر دو کشور هم‌اکنون به‌دنبال کاهش نفوذ روسیه در منطقه هستند که در تئوری آنها را مستعد پذیرای مشارکت ایالات متحده می‌کند.

موضوع اصلی همچنان حفظ تمامیت ارضی است. نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان تأکید کرد که ارمنستان باید کنترل بر این کریدور را حفظ کند. در عین حال، الهام علی‌اف، رئیس جمهور آذربایجان که استپاناکرت (پایتخت پیشین جمهوری خودخوانده نغورنو-قره‌بایگ که حالا منحل شده) با جمعیت بومی ارمنستانی که در سال ۲۰۲۳ به‌طور خشونت‌آمیز از این منطقه اخراج شدند، بر دسترسی یکجانبه به نخجوان و ترکیه اصرار داشت و حضور هر گونه بازیگر خارجی را رد کرد که نوعی سرزنش ضمنی به‌واشنگتن بود.

باوجود ادعاهای پیشین علی اف مبنی بر اینکه سیونیک «یک سرزمین باستانی آذربایجانی» است و تهدیدهای پیشین برای تصرف آن، ارمنستان به‌درستی درخواست‌های او را پیش درآمد الحاق این منطقه می‌داند.

با این حال، پس از آنکه ترامپ ویدئویی از سخنرانی‌اش در شبکه اجتماعی تروث سوشال منتشر کرد، علی‌اف در آنچه که تلاشی برای چاپلوسی از رئیس جمهور آمریکا تلقی می‌شود، «دیدگاه و تلاش‌های ترامپ برای ترویج صلح» را تقدیر کرد.

آنچه مسائل را پیچیده‌تر می‌کند این است که این کریدور پیشنهادی از اراضی ارمنستان در مرز ایران می‌گذرد. تهران به‌شدت با هرگونه تدارکات برون‌مرزی مخالفت کرد که ممکن است به ارتباط با ارمنستان آسیب بزند، نفوذ ترکیه-آذربایجانی را به هزینه آن تقویت کند و مسیرهای تجاری با روسیه و اروپا را در برابر هوس‌های باکو آسیب‌پذیر کند. ایران حتی در سال ۲۰۲۰ در نزدیکی مرز آذربایجان تمرینات نظامی به‌عنوان هشدار انجام داد.

روسیه همانند ایران طرح آمریکا را تلاشی برای خروج این کشور از جنوب قفقاز می‌بیند؛ تصویری که ایران تلاش‌های بسیاری برای آن انجام می‌دهد. مسکو همچنان اهم‌رم قابل‌توجهی دارد: از مرز ارمنستان با ایران محافظت می‌کند، پایگاه نظامی در ارمنستان را حفظ می‌کند و بر بخش‌های گسترده‌ای از اقتصاد و زیرساخت‌هایش تسلط خواهد داشت و حتی چرخش‌های غرب‌گرایانه ایران تاکنون بیشتر در حد حرف بوده تا عامل واقعی. چگونه سربازان مرزی روسیه درکنار کریدوری که از سوی آمریکا اداره می‌شود، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند؟ و آیا آمریکا قدرت ماندن و تمایل سیاسی برای اجرایی کردن چنین توافقی را در منطقه‌ای دارد که فقط اهمیت استراتژیک بسیار کمی برای منافعش ایجاد می‌کند؟

درحالی‌که طرح صلح به میانجی‌گری ایالات متحده بین ارمنستان و آذربایجان ممکن است مورد تشویق قرار بگیرد، طرح کنونی بسیاری از پیچیدگی‌های منطقه‌ای را نادیده می‌گیرد. در بهترین حالت پیش‌نویسی است که نیازمند مذاکرات فشرده با تمام بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران و روسیه است. در بدترین حالت، این یک شاهکار خبرساز دیگری در مسیر دشوارش برای دریافت جایزه نوبل صلح است.

تکس: Reuters



نقطه جوش سوریه

درباره بحران اخیر در استان سویدا و نقش و جایگاه اسرائیل و دروزی‌ها در آن

عماد عنان

تحلیلگر مسائل سوریه

وزارت داخله سوریه روز چهارشنبه ۱۶ ژوئیه اعلام کرد که با مشایخ و بزرگان دروزها به توافقی برای توقف خشونت و آتش‌بس در استان السویداء دست یافته است و موانع امنیتی در آنجا مستقر خواهد شد تا اطمینان حاصل شود که این منطقه کاملاً در چارچوب دولت سوریه ادغام شود؛ پس از اینکه وضعیت به سطحی نگران‌کننده از تشدید خشونت رسید و نگرانی فزاینده‌ای درباره طرح تقسیم و شعلهور کردن فتنه داخلی وجودداشت.

در این زمینه، شیخ عقل طایفه دروز در السویداء، یوسف جربوع، حمایت کامل خود را از این توافق اعلام کرد و اشاره کرد که این توافق از حمایت گسترده جامعه دروز و اکثریت ساکنان استان برخوردار است و هرگونه سوءاستفاده از پرونده دروزی را رد کرد و تأکید نمود که هر تعرضی به دولت سوریه «تعرض به ما است».

از سوی دیگر، در حالی که نگاه‌ها به ضرورت آرامش پس از افشای طرح اسرائیل برای استفاده از این پرونده به منظور اهداف استعماری‌اش معطوف شده بود، رئیس روحانی طایفه موحدین دروز، حکمت هجری، توافقی را رد و تأکید کرد که بر مبارزه پافشاری دارد. پیش از این، وی از رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ و نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو خواسته بود تا برای «نجات السویداء» مداخله کنند. حمایت جربوع از مسیر آرامش و تلاش وی برای جلوگیری از فرصت دادن به توطئه‌گران علیه دولت سوریه در مقابل خطابه هجری که با زبانی تشدیدآمیز و رد صریح هر توافقی با دولت که آن را «باند‌های مسلح» خواند همراه بود، نشان‌دهنده تقسیم واضح در میان دروزها درباره صحنه سیاسی، چه در داخل سوریه و چه در قبال اسرائیل است.

این شکاف تازه به وجود نیامده، بلکه ریشه‌های عمیقی در داخل و خارج دارد که طی سال‌ها توسط دستگاه اسرائیلی تغذیه شده و امروز به دنبال بهره‌برداری از آن برای تحریک فتنه‌ها و نزاع‌های طایفه‌ای و سوءاستفاده از تنش‌های اجتماعی و اقتصادی بین دروزها و دولت سوریه است تا برنامه‌های توسعه‌طلبانه منطقه‌ای خود را پیش ببرد؛ برنامه‌ای که عمدتاً بر محور اقلیت‌ها استوار است و یکی از مهم‌ترین ابزارهای پروژه صهیونیستی در خاورمیانه محسوب می‌شود.

▼ **انشقاق درونی زودهنگام**

به نظر می‌رسد این انشقاق بخشی ذاتی از ساختار طایفه دروز باشد و یکی از ویژگی‌های بنیادین مرتبط با شکل‌گیری و تکامل آن است، زیرا این شکاف به‌هویت مرجع، ریشه‌های تاریخی و پس‌زمینه ایدئولوژیک آن برمی‌گردد. در مورد منشأ نام‌گذاری، تفاسیر متفاوتی وجود دارد؛ گروهی آن را به دوران خلیفه فاطمی ششم، الحاکم بأمرالله (حکومت ۹۹۶ تا ۱۰۲۱ میلادی) نسبت می‌دهند که با محمدبن اسماعیل الذرزی (نسبت به اهل درزه، یعنی سازندگان لباس) مرتبط است که به شام مهاجرت کرد و طایفه بعداً به نام او شناخته‌شد.

در مقابل، برخی دیگر مؤسس واقعی مذهب را حمزه بن علی بن محمد الزوزنی می‌دانند که از بنیان‌گذاران اصول عقیده دروز و نویسنده اصلی متون آن است و نسبت دادن طایفه به «الذرزی» را رد می‌کنند، به این دلیل که نسبت زبانی درست نام او باید «الذرزبون» باشد نه «الدروز» و منشأ نام‌گذاری را به مفهوم «درز مغر» (به معنی تکیه بر عقل به عنوان منبع شناخت) نسبت می‌دهند. دروزی‌ها از جمله طوایفی بسته و متمایل به انزوا هستند که دعوت آن‌ها بین

سال‌های ۱۰۱۷ تا ۱۰۲۰ میلادی آغاز شد و تا سال ۱۰۴۳ ادامه داشت؛ زمانی که تصمیم گرفته‌شد در پیوستن به این طایفه به‌طور کامل بسته شود. از آن زمان به بعد، عضویت تنها محدود به کسانی است که به‌صورت دروزی متولد شده‌اند و ورود افراد جدید از خارج طایفه ممنوع شده است.

با وجود این انزوای نسبی، طایفه بر خلاف رویه‌اش به برخی شخصیت‌های اهل سنت اجازه پیوستن داد، هرچند که این موضوع با مخالفت‌هایی در داخل طایفه روبه‌رو بود. در سال ۱۶۱۱، والی سنی سوریه، علی جنبلاط، به این طایفه پیوست و پس از آن، فرمانده سنی یمنی، محمد الأطرش نیز به آن‌ها ملحق شد. به مرور زمان، فرزندان این دو خانواده به نمادهای رهبری در طایفه دروز تبدیل شدند که در سوریه، لبنان و فلسطین پراکنده‌اند.

به مرور زمان، فراخوان‌هایی برای نزدیکی به مذهب اهل سنت مطرح شد، اگرچه بخش وسیعی از اعضای طایفه این موضوع را رد کردند. از برجسته‌ترین مدافعان این نزدیکی، امیرشکیب ارسلان بود که صراحتاً خود را سنی‌مذهب اعلام کرد، و همچنین کمال جنبلاط که دانشجویانی را برای تحصیل در رشته فقه اسلامی به دانشگاه‌الآزهر فرستاد و مذهب شافعی را پذیرفت. پیش از آنکه در سال ۱۹۷۷ به دست رژیم حافظ اسد ترور شود.

دروزی‌ها از جمله طوایفی بسته و متمایل به انزوا هستند که دعوت آن‌ها بین سال‌های ۱۰۱۷ تا ۱۰۲۰ میلادی آغاز شد و تا سال ۱۰۴۳ ادامه داشت؛ زمانی که تصمیم گرفته‌شد در پیوستن به این طایفه به‌طور کامل بسته شود. در سال ۲۰۱۲، طایفه دروز با یک انشقاق جدی مواجه‌شد که تقریباً انسجام آن را تهدید کرد؛ این بحران ناشی از رقابت بر سر رهبری معنوی میان حکمت الهجری و یوسف جربوع بود. با اصرار هر دو طرف بر رهبری خود، مرجعیت طایفه به دو بخش تقسیم شد: نخستین به رهبری الهجری در دار قنوت، و دومین به رهبری دو شیخ حمود الحناوی و یوسف جربوع در منطقه عین الزمان.

با وجود تلاش‌های مکرر در سال‌های اخیر و فراخوان‌هایی که توسط بزرگان و رهبران طایفه در السویداء برای تشکیل یک شورای واحد و رسیدن به توافق بین دو رهبری صورت گرفت، این کوشش‌ها ناکام ماند و انشقاق همچنان در ساختار دروزی‌ها ریشه‌دواند. این جدایی با سرنگونی نظام بشار اسد و روی کار آمدن دولت جدید سوریه به رهبری احمد الشرع عمیق‌تر نیز شد.

▼ **موضع دروزی‌ها نسبت به دولت جدید سوریه**

موضع دروزی‌ها نسبت به دولت جدید سوریه بر اساس رویکردی کاملاً واقع‌گرایانه شکل گرفته است. این موضع بسته به محاسبات خاصی تغییر می‌کند که هیچ ارتباطی با مراجع دینی، اعتقادی یا حتی ایدئولوژی‌های حاکم ندارد. می‌توان این تفاوت را از مواضع سه شیخ عقل مشاهده کرد؛ افرادی که نماینده طایفه دروزی‌ها در سوریه هستند و تصمیم‌گیرنده نهایی در تعیین مسیرها و جهت‌گیری‌های آن به شمار می‌روند.

▼ **حکمت هجری، آرزوی جدایی**

حکمت هجری رئیس روحانی طایفه متحد دروزی‌ها در سوریه است. او در سال ۱۹۶۵ در ونزوئلا متولد شد؛ جایی که پدرش مشغول به کار بود. سپس به سوریه بازگشت و تحصیلات خود را ادامه داد. در سال ۱۹۹۰ از دانشگاه دمشق در رشته حقوق فارغ‌التحصیل شد. پس از مرگ برادرش احمد در حادثه تصادف رانندگی در سال ۲۰۱۲، ریاست روحانی طایفه را برعهده گرفت؛ این مقام از قرن

نگاه
تحلیلی

نوزدهم به‌طور موروثی در خانواده اش بوده است.

از زمان به دست گرفتن این مسئولیت، آرزوی جدایی از دولت سوریه در ذهن هجری حضور داشته است، اما کنترل شدید امنیتی رژیم اسد مانع از تحقق این آرزو شده است. با شروع انقلاب سوریه، هجری این فرصت را در لحظه انقلابی دید و تلاش کرد آن را به نفع پروژه‌اش به کار گیرد. او نقش مهمی در تحریک دروزی‌های السویداء علیه رژیم سابق ایفا کرد و به تدریج به نماد ملی در سطح سوریه تبدیل شد؛ که الهام گرفته از تصویر رهبر دروزی سلطان باشا الأطرش، فرمانده انقلاب بزرگ سوریه بود. با روی کار آمدن دولت جدید سوریه و تلاش آن برای بسط کنترل امنیتی بر تمامی مناطق کشور، از جمله السویداء، و پیشنهاد تحویل سلاح گروه‌ها و طوایف به دولت، هجری احساس کرد پروژه جدایی‌اش در خطر است. همچنین نگران موقعیت و منافع شخصی خود بود؛ چراکه انتظار داشت به خاطر نقش خود در سرنگونی رژیم اسد، به السویداء وضعیت ویژه یا شاید استقلال نسبی از دولت مرکزی اعطا شود.

به همین دلیل، شیخ حکمت هجری به صراحت قانون اساسی موقت را رد کرد و از تحویل چند نفر از اعضای طایفه که پیش‌تر در پرونده‌های امنیتی و قضایی حساس با رژیم همکاری داشتند، خودداری کرد. در فوریه ۲۰۲۵، او شورای دفاع دروزی‌ها را تشکیل داد که نیرویی کمکی برای مدیریت امنیت داخلی السویداء محسوب می‌شود؛ اقدامی که بسیاری آن را آغاز مرحله «استقلال امنیتی» از دولت سوریه می‌دانند. نزدیکان به صحنه سوریه معتقدند هجری در سال‌های اخیر توانسته قدرت میلیشیای مسلح خود را افزایش دهد و نقش مهمی در ایجاد و تشدید آشوب در جنوب سوریه ایفا کرده است. برخی بر این باورند که او در تلاش است وضعیتی مشابه آنچه نیروهای دموکراتیک سوریه (قصد) در شمال شرق کشور به دست آورند، در منطقه خود به وجود آورد.

در همین راستا، موضع او در مخالفت با رئیس احمد الشرع و رد هرگونه تلاش برای آرامش، تحت عنوان «دفاع از السویداء و مقاومت» بوده است. هجری تحویل سلاح بدون خواست مردم را خیانت می‌داند و تأکید می‌کند که تمرکززدایی دموکراتیک تنها راه مدیریت رابطه با دمشق است، نه اطاعت از دستورات دولت مرکزی. خود او قبلاً نیز خواستار مداخله بین‌المللی برای حمایت از دروزی‌ها شده بود.

▼ **یوسف جربوع؛ مرد آرامش**

شیخ یوسف جربوع در سال ۱۹۶۷ در استان سویداء به دنیا آمد و در سال ۲۰۱۲ به عنوان «شیخ عقل» طایفه دروزی منصوب شد. او جانشین پسرعموی فقیدش، حسین جربوع، شد که از سال ۱۹۶۵ پس از پدرش، شیخ احمد جربوع، عهده‌دار این مقام بود. خانواده جربوع بیش از سه قرن به‌طور مداوم منصب شیخ عقل در جبل العرب را در اختیار داشته‌اند.

جربوع چهره‌ای تقابلی و مناقشه‌برانگیز نبود، بلکه به دلیل روحیه آرام و گرایش‌اش به مصالحه، به «مرد آرامش» معروف شده بود. او همواره رویکردی دیپلماتیک در پیش می‌گرفت و از تشدید درگیری‌ها پرهیز می‌کرد؛ همین ویژگی‌ها موجب شد تا روابط خوبی با رژیم اسد داشته باشد و از حمایت گسترده نهادهای وابسته به آن، به‌ویژه در زمینه نظارت بر پروژه‌های توسعه‌ای و خیریه، برخوردار شود. این پروژه‌ها اغلب تحت نظارت «امانه سوریه» وابسته به اسماء الاخرس، همسر بشار اسد، رئیس جمهور مخلوع سوریه، اجرا می‌شد.

این ویژگی‌های شخصیتی در واکنش او به رخداد‌های اخیر سویداء نیز نمود داشت. با وجود محکوم کردن ورود نیروهای